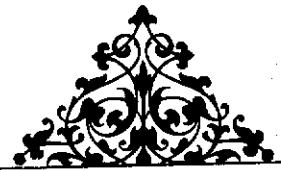


قیام آیت الله سید عبدالحسین لاری

محمد باقر وثوقی



کتاب ولایت فقیه، به ویژه در باره اندیشه سیاسی سید قابل تقدیر و فراموش نشدنی است^{۱۳}. و این در حالی است که به گواهی استناد بر جای مانده، این منطقه در جریان نهضت مشروطیت و دست کم در بررهای از آن به عنوان «مرکز ثقل سیاسی» فارس عمل می کرده و تحولات فارس و بنادر متاثر از سیاستهای اجرایی سید عبدالحسین بوده است^{۱۴}. عدم توجه پژوهشگران به بررسی نقش فارس در جنبش مشروطیت نیز مزید بر علت گردیده است. لازم به تذکر است که به استثنای نوشتۀ دکتر قائم مقامی که در آن استنادی از مشروطیت در فارس را به چاپ رسانده است^{۱۵}، پژوهش مستقل دیگری در این باره در دست نیست.

به هر روی سید با ورود به لار، به تأسیس حوزه علمیه ای دست زد که در آن نیروهای بسیاری از نواحی گوناگون جنوب ایران شرکت کرده و مباحث علمی و سیاسی او را فرا می گرفتند^{۱۶}. او از این طریق توانست کادرهای سیاسی - مذهبی قدرتمند و با نفوذی را برای نهضت آماده سازی کند. شاگردان او از نواحی داراب، جهرم، فسا، شیراز، بوشهر، عباسی، کرمان، سیرجان و بندرلنگه^{۱۷} و حتی خارج از مرزهای ایران^{۱۸} - هندستان - در حوزه علمیه

توجهی برخوردار بوده‌اند^{۱۹}. این منطقه به دلیل واقع شدن در مسیر تجاری بنادر لنگه و عباس به طرف مرکز ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است^{۲۰}.

در آستانۀ انقلاب مشروطیت و طی دهه اول قرن چهاردهم قمری، در گیریهای منطقه‌ای در لارستان میان فتحعلی خان لاری، حاکم سنتی لار، و فرزندانش^{۲۱}؛ تضادهای شدید بین خوانین محلی^{۲۲}؛ ناامنی راهها و تجاوزها و تعدیهای بیش از اندازه حکام محلی^{۲۳}؛ عدم امنیت مالی و تجاری لازم برای بازارگانان که برآیند سیاستهای اقتصادی ویژه عصر قاجاری بوده است؛ و نبودن مرجعیت مذهبی در منطقه تجار را به یافتن راه حلی در جهت از بین بردن بعران ناگزیر ساخت. دعوت از سید عبدالحسین لاری به منطقه، به منظور برآوردن خواست این قشر قدرتمند اجتماعی و حل معضلات بازارگانان صورت گرفت. مهاجرت سید به ایران و حمایت شدید مردم فارس از او، منجر شد به شکل گیری نهضتی که، با همه گنگی و ابهامش، هنوز در باد و خاطره مردم جاری و زبانزد است.

در این باره - نقش لارستان در جنبش مشروطیت - هنوز پژوهشی جامع و مستند صورت نگرفته است. تلاش آگاهانه سید محمد تقی آیت‌الله در

مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین لاری^{۲۴}، در شب جمعه سوم ماه صفر سال ۱۲۶۴ قمری در نجف اشرف متولد شد^{۲۵}. او دزفولی‌الاصل بود و نسبش به عارف نامی «رکن الدین دزفولی» می‌رسد^{۲۶}. سید در محیط علمی نجف و در محضر استادانی همچون آیت‌الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی معروف به «میرزا شیرازی» (م ۱۳۱۲ق) و شیخ محمد حسن کاظمی و مولامحمد معروف به فاضل ایروانی، و شیخ لطف‌الله مازندرانی و ملاحسن‌بنقلی همدانی حاضر شد و از ایشان کسب علم نمود. به زودی استعداد و توانایی علمی و سیاسی او مورد توجه استادانش قرار گرفته، اجازه اجتهاد دریافت نمود^{۲۷}، و در نجف مشغول به تدریس شد. او در سال ۱۳۰۹ قمری، به دعوت تجار لارستانی به سرپرستی حاج علی وکیل^{۲۸}، و بنا به توصیه میرزا شیرازی برای «برائت از ظلمه»^{۲۹} و «اجرای امور دینی» به لارستان وارد و در مرکز منطقه، شهر لار، ساکن شد.

لارستان نام منطقه بزرگی از سواحل جنوبی خلیج فارس است که از بندر کنگان تا بذر عباس را شامل می‌شده است^{۳۰}. تجار این دیار در طول تاریخ از شهرتی خاص و قدرت اجتماعی در خور



توانست در درگیریهای شیراز به موفقیت دست یابد و نیرویی پنج هزار نفری را با عنوان «چریکهای لاری» رهبری نماید^{۲۴}. با حمایت نیروهای قشاقی به رهبری صولت‌الدوله و با یاری تجار شیراز و همراهی محدود عناصر روشنفکر موجود در فارس، جبهه قدرتمند مشروطه خواهان در شیراز شکل گرفت. در این میان نقش سید عبدالحسین لاری و صولت‌الدوله قشاقی به عنوان رهبری فکری - نظامی بارزتر از دیگران جلوه می‌نمود. سید با استفاده از تمامی نیروهای خویش توانست حوزهٔ تسلط و نفوذ فکری - سیاسی خویش را تا بوشهر در غرب، و کرمان در شرق گسترش دهد.

شیخ زکریا^{۲۵} انقلابی تندر و شاگرد و فادار سید، رهبری نیروهای نظامی را در جبههٔ شرقی بر عهده داشته،

روزگار، روزبه روز فاصلهٔ نیروهای قدرتمند اجتماعی - تجار و کسبه و مردم - را از حاکمیت سنتی و رسمی بیشتر نموده و جامعه را آبستن حوادث نمود که در هنگام وقوع، با نام «قبیام سید عبدالحسین لاری» معروف و در ادبیات سیاسی ایران راه یافت.^{۲۶}

با این زمینه‌ها هنگامی که شیراز، مرکز استان فارس، در جریان نهضت مشروطیت به دو نیروی مستبد - در رأس آن خاندان قوام‌الملک فرار داشتند - و مشروطه خواه تقسیم شده بود، به دلیل عدم حمایت مطلق روحانیت شیراز از مشروطه خواهان، سید و یارانش به دعوت انجمن ملی فارس به شیراز وارد شده و حمایت علیه و همه جانبه خود را از مشروطه خواهان آغاز نمود.^{۲۷} سید

لار گردهم آمده ضمن فراگیری مفاہیم دینی، با نظرات سیاسی استادشان آشنا می‌شدند. سید از همان ابتدا با برقراری نماز جمعه و فرائت خطبه‌های سیاسی، جبهه‌گیری خویش را علیه حاکمیت قاجاری آشکار ساخت. تألیف گرانقدر او با نام آیات‌الظالمین در سال ۱۳۱۴ قمری در شیراز به چاپ رسید. او در این رساله، با استفاده از منابع فقهی و آیات قرآنی، مبانی گرایش و عمل به «ظلم» را در جامعه بررسی نمود و نهایتاً سلطنت را فاقد هر گونه مشروعیت دانست و این سیستم سیاسی را منطبق و همسو با «ظلم» می‌دانست.^{۱۹} او با این طرز برداشت، توانست به عنوان روحانی «اصول‌گرا» مطرح و به زودی در مشاجرات فقهی با «اخباریون» منطقه شرکت جوید.^{۲۰}

مهاجرت شاگردان سید به مناطق گوناگون، پخش رساله‌های سیاسی او در منطقه، بسرعت نام او را پرآوازه و همراهانش را بیشمار نمود. بیشترین یاران سید مشکل از «تجار و کسبه و نیروهای ایلی و شباهیلی و طبقات پایین اجتماع» بوده‌اند. با اینکه لارستان از ترکیب مذهبی نسبتاً برابر «تشیع» و «تسنن» تشکیل شده بود، نهضت سید هیچ گاه رنگ فرقه‌ای به خود نگرفت. و این در حالی بود که بیشترین نیروهای موجود در جوار لار از اهل تسنن بوده است. استاد متقن تاریخی موجود، گواه سیاست ویژه سید در این مورد و استفاده به موقع از نیروهای «تسنن و تشیع» منطقه در نهضت است.^{۲۱}

اصول عملی سیاست «سید» در منطقه، همراه با واقعیت گرایی و کاربرد سیاستهای تبلیغی وسیع، توانست در مدتی کوتاه پایگاه اجتماعی گسترده‌ای را برای او و یارانش فراهم آورد. این امر در حالی بود که خاطرهٔ مظالم رفته بر مردم توسط حکام محلی لارستان و تحولات اجتماعی آستانه مشروطیت در ایران آن

مومنه ۱۹ شد پیشنهاد ۱۳۳۰



زادت داخله

دائره رزیت

۱۷

اعتراف کرنی فرمان

شام پیش زادت پیره، هنر هشت رکه از زاده از مردم و جم
سید عجیب این بند بدهن کرده که جمیت خواه همکن و بنا
چه اکن و میخ همین هبیت و زاده هم دنیا همکن
اگرچه این سید گردد دواده هست و همانه هبیت او
نمیست و لعنة عزیز

صیف

ریشه

ریشه

ریشه

و حمایت علی خویش را از اقدامات سید اعلام نمود. این امر نشانگر نفوذ سید در محافل علمی - سیاسی آن روزگار می باشد.

فتح تهران به دست نیروهای انقلابی و پایان دوره «استبداد» برای نیروهای مشروطه طلب فارس، دوران انزوا و فشار را بنا خود به همراه می آورد. اگر چه نیروهای قشقایی ولاری در جریان استبداد صفیر حداقل تلاش خود را در اعاده آزادی و مشروطیت به کار برند، اما در فضای سیاسی حاکم بعد از این دوره در فارس بیشترین صدمات را متحمل گردیدند. توضیح اینکه پیروزی بختیاریها که دشمن دیرینه و سنتی قشقاویها در فارس بوده اند و به قدرت رسیدن سردار اسد بختیاری، چرخش سیاسی جدیدی را در فارس به وجود آورده که به دلیل تضادهای دیرینه موجود بین این دو ایل قادرمند نمی توانست به نفع مشروطه خواهان فارس باشد. نیروهای مستبد در فارس - قوامیها - با حمایت سیاسی سردار اسد بختیاری مجدداً به قدرت رسیده و دوره ای جدید از حاکمیت را آغاز نمودند. حبیب الله قوام الملک ابتدا به نیابت حکومت فارس و بعدها حاکم فارس شناخته شد. او با این چرخش توانست از حوادث مشروطه جان سالم به در برده و حملات شدید خود را با حمایت سیاسی مرکز بر علیه نیروهای قشقایی ولاری تجدید نماید. این تهاجمات اگر تا دیروز تحت عنوان حمایت از محمدعلی شاه شکل می گرفت، این بار با نام حمایت از مشروطه تحقق می یافت. از آن پس لار دوبار در طی سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ قمری توسط نیروهای «قوامی» مورد تهاجم قرار گرفته، غارت گردید.^{۳۹} از این میان اصرار سردار اسد بختیاری بر به انزوا کشانیدن سید و صولت الدوله قشقایی بیانگر جبهه گیری ناجوانمردانه ای بود که حکایت از دشمنیهای دیرینه قومی بود، و بدون تردید نمی توانست منافع

می کردند. اساس فکری نمایانده شده در این رسائل اگر چه توانایهای استدلائی آیت الله نائینی را ندارد، اما در کل ساده، و بر گرفته از تفکری اصول گرا و

در عین حال کوینده است. او در تمامی نوشته هایش لحنی «تند و سازش ناپذیر» با کلیه جناحهای «ظلم» در جامعه به خود می گیرد، که این امر بارزترین وجه تفکر سیاسی اوست. او با تمام وجود از «مشروطه و مجلس ملی اسلامی» آن حمایت می کند و بدین ترتیب در مسلک روحانیون «مشروطه خواه» قرار می گیرد، اگر چه اصول فکری و برداشتهای ذهنی او به اندیشه گروه مخالف یعنی «مشروعه خواهان» نزدیکتر است. اندیشه سیاسی او کمتر مورد توجه و تتبیع پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. اقدامات سیاسی و فکری او در فارس باعث واکنش شدید مستبدین گشته و آن گاه که محمدعلی شاه مجلس را به توب بست فرمان حمله به لارستان و دستگیری سید را صادر نمود.^{۴۰} مجری این دستور کسی جز نصرالدوله قوام الملک نمی توانست باشد. «قوام» با استفاده از نیروهای خود، و در حالی که سرداران سید در بیرون از منطقه لارستان مشغول عملیات نظامی بودند، به شهر بی دفاع لار حمله و گردید. این تهاجم با واکنش شدید محافل تجاری - روحانی فارس و بنادر رو به رو شد.^{۴۱} آصف الدوله حاکم وقت فارس و حبیب الله قوام رهبر ایلات خمسه و مستبد شهر، تحت فشار شدید مردمی، خواهان بازگشت نصرالدوله شدند.^{۴۲} حمله نافرجام نصرالدوله به لار با مقاومت شدید مردم غیر نظامی رو به رو شد و دلاوریهای بزرگ مردانی همچون حاج محمد هاشم^{۴۳} - امام جماعت محله «نو» - و استاد محمد جعفر تقنق ساز و حاج محمد حسن بقال که همگی آنان در در گیری به شهادت رسیدند، هنوز در خاطره ها باقی است. حوزه علمیه نجف در مقابل این حمله واکنش شدیدی از خود نشان داد

در قسمت جنوب لارستان، نیروهای وفادار سید به رهبری مشترک مصباح دیوان اوزی و حسین حاج آبادی معروف به «حسین کله کن» مسؤولیت عملیات را در نواحی بنادر عباس و لنگه بر عهده داشته اند.^{۴۴} این نیروها بارها بندر عباس را متصرف شده، گمرک آنجا را تسخیر کرده، مستقیماً با نیروهای انگلیسی مستقر در کنسولگری آن - معروف به کلاه فرنگی - در گیر شده اند.^{۴۵}

در جبهه غربی لارستان، نیروها به رهبری سید حاجی بابا بیرمی و غلامحسین خان و راوی توانمندی بسیاری از خود نشان داده، بارها به نواحی «لنگه و بستک» و به مقرب مستبدین حمله برده اند.^{۴۶}

جهة بوشهر به فرماندهی زائر خضرخان تنگستانی و شیخ حسین خان چاه کوتاهی که از طرف سید به ترتیب ملقب به «سالار اسلام» و «سردار اسلام» شده بودند، به نامنی کشیده شده نهایتاً انجمن ولایتی را تشکیل دادند.^{۴۷}

این امر در حالی بود که سید در فارس، به شدت از سوی صولت الدوله قشقائی و تجار شیراز و روحانیت آن دیار حمایت می شده است و حوزه علمیه نجف بارها حمایت علی خویش را از مبارزات او اعلام کرده بودند و او را در پیشبرد اهدافش همراهی می کردند.

با این پشتونه و با توانایی فکری فوق العاده ای که در او بود، سید رساله های سیاسی خویش را با عنایین «مشروعه مشروعه»^{۴۸} و «قانون در اتحاد دولت و ملت»^{۴۹} و «قانون اداره بلدیه»^{۵۰} در مطبع محمدی و اسلامیه شیراز به چاپ رساند و با این عمل وارد حوزه فکری اندیشه گرانی گردید که در باره رژیم سیاسی جدید - مشروطیت - اظهار نظر



داده و با توطئه‌های همه جانبه دشمنان روبه رو گشته بود. محل زندگی او دوبار طی سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۲ قمری غارت گردید. وی در تهاجم دیگری، معروف به «درگیری کورده»، آخرین یاران بازمانده اش را از دست داد. سید عبدالحسین لاری پس از این وقایع، ابتدا در جوار همسنگرش، صولت‌الدوله، و از آن پس به حال تبعید، در جهرم بسر بردا.

در جریان جنگ جهانی اول از پای نایستاد و با صدور احکام جهاد علیه نیروهای تجاوزگر به نیروهای قشایی^۱ و تنگستانی^۲، تحرک تازه‌ای را در مبارزان به وجود آورد. و در اواخر عمر نیز به دستور مقامات دولتی — و با توصیه خاندان با نفوذ قوامیها — بشدت تحت نظر بوده و امکان هر گونه تحرکی را از او گرفته بودند.

به هر حال نهضتی که با نام او در آمیخت به مدت بیش از ده سال، بین سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۳ قمری، بزرگترین تحول سیاسی در فارس به شمار می‌رفت و او با رهبری خویش توانست بیاری از آرمانهای انقلاب را — هر چند در کوتاه مدت — به ثمر برساند. او در جبهه فکری نیز فعالیتی خستگی ناپذیر از خود نشان داده و بیش از ۳۵ اثر تحقیقی فقهی سیاسی از خود بر جای گذاشته است.^۳

در تمام عمر خویش حتی برای لحظه‌ای با قدرتمندان کنار نیامده و همیشه با آنان درستیز بود. اگر بتوان شخصیت سید را در یک جمله خلاصه کرد، شاید جمله «او انسانی ظلم ستیز، صادق و کوبنده بود» مناسبتر از سخنان دیگر باشد. صفاتی که تا آخرین لحظات عمر — یعنی جمیع چهارم شوال ۱۳۴۲ هجری قمری — با او همراه و قرین بود. سید در آخرین روزهای عمر خویش در نامه‌ای به یکی از نزدیکانش چنین نگاشته است:

به هر طرف که می‌خواهم حرکت کنم، خاصه به طرف شیراز، مانع قوی و



رسوچ تجزیه کهکشان

سید عبدالحسین لاری صبح روزان پرسيله

برگفتند فخر سینه تقدیر کردند که نیز تقدیر
رهاز خوش بودند سیف و سلطنت اسلام کارهای خود را کردند
سید عبدالحسین پرسيله خود را در تقدیر کردند
این دوست هم پرسيله خود را کردند که در بخش خود
درگیری کردند که نیز تقدیر کردند سیف و سلطنت اسلام کارهای خود را
کشیدند و بیشتر شئون امور پرسيله خود را در تقدیر کردند
خدمت پرسيله خود را در تقدیر کردند همچنان که
فراتر در زمان پرسيله خود را بشکستند
پرسيله خود را که نیز تقدیر کردند که نیز تقدیر کردند
پرسيله خود را که نیز تقدیر کردند که نیز تقدیر کردند

این تحول، جبهه بندی مستقیم نیروهای مشروطه خواه و مستبد فارس را به شکل جناح بندی قوام‌الملک، ضیغم‌الدوله قشایی ایلات خمسه و مستبدین علیه صولت‌الدوله قشایی و سید عبدالحسین لاری تغییر داد و با حمایت سیاسی مرکز — با فشار نیروهای بختیاری — کفه ترازوی قدرت به نفع مستبدین فارس سنگین شد.

در اینجا قصد نداریم که به جزئیات چگونگی افول قدرت سیاسی مشروطه خواهان فارس پیردازیم، فقط باید بگوییم که سید عبدالحسین لاری به دنبال شهادت شیخ زکریا در سال ۱۳۳۱ قمری و کشته شدن سید حاجی بابا بیرمی و حاج غلام‌حسین خان و راوی در سال ۱۳۳۰ قمری بهترین یارانش را از دست

انقلاب را در پی داشته باشد. سردار اسعد از دولت مرکزی خواست که وی را در جایگزین کردن «احمدخان ضیغم‌الدوله» برادر ناتی صولت‌الدوله در مقام ایلخانی قشایی باری دهد.^۴

اگر چه زمینه‌های نفاق میان این دو برادر از سالها پیش به وجود آمده بود، اما این امر آغاز ماجرایی بود که نهایتاً باعث جدایی کامل صولت‌الدوله از سیستم سیاسی و قرار گرفتن رو در روی او با نیروهای دولتی و حامیان انگلیسی آنها شد. انتقال قدرتی که برائیر حوادث سیاسی ایران بعد از استبداد صفیر در ایلات بختیاری روی داد، در تحولات سیاسی فارس نقش عمده و بارزی داشته که متأسفانه تاکنون بدان پرداخته نشده است.

۱۰. اعظم خان بستکی، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک تهران، اتمج روز ص ۲۹۱.
 ۱۱. محمد هادی کرامتی، تاریخ دلگشای اوز، تهران نشر سینا ۱۳۲۸ ص ۷۷.
 ۱۲. مرحوم علاءالدوله مورخ لاری، روزنامه لارستان، سال دوم شماره ۴، ص ۲.
 ۱۳. نگاه کنید به سید محمد تقی آیت‌الله، ولایت فقیه، نهران، امیرکبیر.
 ۱۴. کتاب آبی، به کوشش بشیری، نشنو، ج ۲، ص ۴۷۱.
 ۱۵. نگاه کنید به: دکتر جهانگیر فاثم مقامی، نهضت آزادیخواهی فارس در مشروطیت، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، تهران.
 ۱۶. شجره طبیة، ص ۸.
 ۱۷. نباء البشر، ج ۲، ص ۱۰۴۸.
 ۱۸. نسخه نفیسی از قرآن مجید که اهدایی یکی از شاگردان هندی سید بوده است در دست است.
 ۱۹. سید عبدالحسین لاری، آیات الظالمین، شیراز، ۱۳۱۴ فمری.
 ۲۰. نگاه کنید به: نسخه‌ای خطی با نام «مباحثات مولاقی اخباری جرائی و سید عبدالحسین لاری» متعلق به سال ۱۳۱۴ فمری در دست است.
 ۲۱. نگاه کنید به: تاریخ دلگشای اوز و همچنین به متن شماره ۲۵ و ۳ در همین مقاله.
 ۲۲. بهار در ترجیع بند «نرانه ملی» از مجهادات سید در لار گفته است.
 ۲۳. کتاب آبی، ج ۱، ص ۱۱۱.
 ۲۴. نامه‌ای از سید در دست است که تعداد یارانش را در آن ذکر کرده است.
 ۲۵. نگاه کنید به: دانشمندان و سخن سرايان فارس رکن زاده آدمیت (خبام، ج ۵ ص ۶۶۹ - ۶۶۸).
 ۲۶. نظام الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۳۷۹.
 ۲۷. کوهستان ناحیه‌ای بین لارستان و داراب در جنوب شرقی، فارس و مشتمل بر

امتناع کلی به حدی است که تهدید به قتل و توعید به غارت کرده‌اند؛ خلاصه بالفعل در معنی محوس به حکم ابابالیس انگلیس و روس هست و لکن به هیچ نحو، فصور و فتور و ضعف و کسر نورزیده تا آخر قطره خون مصمم و ثابت القدم خواهم ماند... و ان تنصر الله ينصركم و بثت اقدامکم....

پی نویس ها

۱. ایشان با عنایین دیگری همچون نجفی، شوستری، دزفولی، مجتهد و موسوی نیز نامیده شده است.
 ۲. مهاجری، شجرة طبیبه، شیراز، چاپخانه نور، ۱۳۷۰ قمری، ص ۶
 ۳. شاه رکن الدین دزفولی که بقعة او به دستور امیر تیمور گورکانی ساخته شده و

این وجهی که به فوریت مرحمت شود اردوی آقای سردار احتشام روبراه و هرچه زودتر حرکت کرده به ایل بروند و از آن طرف دفع مفاسد شود و فرضآ خود صولت الدوله هم خواست به خلاف نظم رفتار کند از دو طرف او را قلع و قمع نمایند و الا این تدارکات را نفرمایند و به زودی وجه مرحمت نشود مسلماً مفسدین به مقاصد خود نایل و رشته نظم و امنیت بالمره گسیخته خواهد شد جواب فوری بفرمائید که نصرالدوله هم تکلیف خود را بداند.

حبيب الله [قام]
[حاشیه]: خیلی فوری: الان این جواب را رمز کنید.

تلگراف جنابعالی در باب نصرالدوله و اقدامات شیخ زکریا و تحریکاتی که از طرف صولت الدوله می شود [رسید] و اینکه تقاضای سرعت اقدام در این کار نموده و خریداری فشنگ هم خواسته بودید واصل شد قبل از وصول این تلگراف بیست هزار ۲۵ تومان حواله شده است و روز شنبه ۱۴۰۵ این وجه به جنابعالی خواهد رسید یکصد کرور فشنگ هم که خواسته بودید مدیر گمرک بوشهر به دستور العمل جنابعالی خریداری نماید تصویب و حکم آن را صادر کرده ام. در این صورت تهیه جلوگیری از اقدامات صولت الدوله و شیخ زکریا به این ترتیب ممکن است زودتر قرار حرکت سردار احتشام و نصرالدوله را بدھید و آنچه را برای حفظ نظم و جلوگیری اشاره لازم و مقتضی می دانید بدون تأمل اقدام نماید همه نوع تقویت و مساعدت با جنابعالی خواهد شد.

امضای قوام السلطنه

«سنده شماره ۲»

وزارت داخله، اداره مرموzات، نمره ۱۴۳۶، مورخه ۱۷ حوت ۱۳۲۰
استخراج تلگراف حکومت بنادر
مقام منبع وزارت جلیله داخله
مصطفی دیوان پاره [ای] و سایط

- در اتحاد پانزده هزار قشقائی در اغتشاش فرموده بودند، عرض کردم باطراف برای تحقیق می فرستم، به نصرالدوله نیز تحقیق این فقره را نوشته بودم او هم در مقام تحقیق برآمده، پریروز خود نصرالدوله با رضا قلیخان حسام عشاير کلانتر بزرگ عرب از فسا به شیراز آمده اردو را در همان فسا گذاشت چیزی که محقق شده است صولت الدوله مبلغی گراف برای شیخ زکریا و سید عبدالحسین لاری فرستاده که بعنوان جنگ جهاد با انگلیس در صدد اغتشاش برآیند، سید عبدالحسین که امروزه نفوذی ندارد ولی شیخ زکریا که از غارت اموال مردم و محصول اقلای داراب و مالیات پنج ساله سبعه و کوهستان بهم بسته جمعیتی دوربرش هست. اهالی آن سامان هم همین قدر [که] کسی برای هرزگی پیش قدم شود به طمع غارت و چپو تعیت خواهند کرد. خود صولت الدوله هم خیالش این بوده اگر بتواند از این طرف در کار آقای سردار احتشام ایلخانی که بیرون میرونند اخلالی نماید و سارقین عمله خود را به راهها برای دزدی بفرستد و همان است که عرض کردم. صولت الدوله به پول و وسائل دیگر از عده خودش و متفرقه هراندازه سعی کند نمی تواند دو هزار الى سه هزار و پانصد [نفر] با خیالات خود همراه کند که این ها را هم دسته به دسته برای دزدی به اطراف بفرستد. عجالتاً کار شیخ زکریا تا کسب اهمیتی نکرده و تولید فسادی نشده باید در مقام جلوگیری برآمد نصرالدوله هم برای ترتیب همین فقره هست. اولاً لازم است وجهمی به فوریت تدارک و هر کسی را امین خرج بدانند ناظر خرج قرار دهند ثانیاً یک مقدار فشنگ همان کسی را که ناظر است در اینجا خریداری نماید. این تدارکات تمام دیده شود که سی روز دیگر که ایلات از گزمسیر حرکتی می کنند استعداد کاملی از آنها حاضر و به قلع و قمع شیخ زکریا اقدام شود و از رومانت است.
۲۸. حبل المتنین، روزنامه، سال ۱۸ و شماره ۸ و ص ۹.
۲۹. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۳۴۷.
۳۰. حبل العین، روزنامه، سال ۱۸، ص ۱۸.
۳۱. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات انفاقیه در روزگار، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۲ ص ۳۴۲.
۳۲. سید عبدالحسین لاری، مشروطه مشروعه، شیراز مطبع محمدی ۱۳۲۵ قمری.
۳۳. سید عبدالحسین لاری، فاتنون در اتحاد دولت و ملت، شیراز مطبع محمدی، ۱۳۲۶ قمری.
۳۴. سید عبدالحسین لاری فاتنون اداره بلدیه، شیراز مطبع اسلامیه، ۱۳۲۶ قمری.
۳۵. کتاب آبی، ص ۶۰۴.
۳۶. همان، صص ۶۰۵ - ۶۰۳.
۳۷. همان، ص ۶۰۲.
۳۸. حاج محمد هاشم یکی از شاگردان و مریدان سید بوده و خانزاده معترم «فالی» از بازماندگان آن بزرگوار هستند.
۳۹. مهدی یقلى خان هدابت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ص ۲۶۱.
۴۰. نامه نور، ویژه نامه فشقائی، شماره ۴ و ۵، ص ۸۰.
۴۱. همان، صص ۱۶۳ - ۱۶۵.
۴۲. رکن زاده آدمیت، فارس و جنگ بین الملل اول، اقبال، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.
۴۳. مهاجری دوحه احمد به فی احوال ذریة الزکیه، نسخه خطی.
- سند شماره ۵ (۱)**
- وزارت داخله، اداره کابینه، دائرة مرموzات نمره ۱۱۷۹، مورخه ۲۲ شهریور ۱۳۲۰.
- استخراج تلگراف رمز آقای قوام الملک از شیراز مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته: سابق تلگرافی از قرار خبر لندن

[حاشیه] دیوانگی این شخص واضح است: بهر ترتیبی که صلاح می‌دانید اقدام در جلوگیری بکنید که نتواند تولید رحمتی کند.

[امضاء قوام السلطنه]

سند شماره ۵

از شیراز به طهران

مورخه اول دلو سال ۱۳۲۰

مقام منبع ریاست وزارت

جلیلیه داخله دامت شوکتهما

دو نفر جاسوس که برای کسب اطلاعات به طرف صولت‌الدوله فرستاده

بودند مراجعت کردند، صولت‌الدوله در کار این بوده که جمعیتی به اسم جلوگیری از قشون انگلیس بر حسب حکم علما جمع کند و به طرف «جره» و «شیراز» روان که اگر بتواند کلانترهای

قشائی را با خود همراه و به مقاصدی که در نظر دارد شروع نماید بندۀ هم که هر قدر لزوم سرعت حرکت آقای سردار احتشام ایلخانی و اردوان ایشان و نصرالدوله و اردوان فوق العاده او عرض می‌کنم «توجهی نمیرماید و گویا عرائض بندۀ را قابل التفات نمی‌دانید سربازها هم که برای حقوق شان بسر بندۀ ریخته اند حالت چریک ساخلوی شهر هم که نگفتنی است. بندۀ امروز دخیل هیچ یک از امورات نشده بدین متوال دخیل هم نخواهم شد کار اسباب لازم دارد با فقدان اسباب چه میتوان کرد و تعجب از این است که چرا ایالت فارس را رسمي نمی‌فرمایند.

عصر ۲۹ حبیب الله

اتصال آقا مشغول فساد است. در آن تلگراف نمره ۸۴ بینت و سوم شهر ربیع‌الثانی عرض کردم کلیه ادارات بندرعباس یک اصلاح اساسی لازم دارد. نائب کارگذاری اینجا که مدت‌ها نوکر خودم بوده مصباح او را اغوا کرده با تلگرافی همدست شده بود رئیس گمرگ هم آدم متلون‌المزاجی است و در حقیقت زحمات اینمدت از بندرعباس به سبب عدم استقامت خلق او است. لازم است اقدامی برای تغییر او بفرمائید و گمرک بندرعباس را ضمیمه گمرک بوشهر کنند که کارها خیلی تسویه خواهد شد.

«علی محمد»

[حاشیه] در باب رئیس گمرک جواب رفعه چند روز قبل را از اداره گمرک مطالبه نمایید.

سند شماره ۶

وزارت داخله، اداره کابینه، دایره مرموzات، نمره ۴۷، مورخه ۱۹ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ استخراج تلگراف رمز فرمان‌الملک از شیراز

مقام منبع وزارت جلیلیه داخله دامت شوکته - از قراریکه از لار و جهرم نوشته‌اند سید عبدالحسین بهمه‌جا اعلام کرده که باید جمعیت خود را حاضر کنید و بامن جهاد کنید و خیلی هم مضافین بد به هیئت وزراء عظام در آن اعلام نوشته اگر چه این سید تا یک درجه دیوانه است و اعتنایی به نوشتجات او نیست ولی عرض شد.

حبیب الله [قوام]

برانگیخت از آن جمله معین التجار، اگر چه فقط در یک خانه توقيف بود و جای سختی نداشت به بعضی ملاحظات او را رها کردم. و در ایامی که سید عبدالحسین پاره [ای] عنوانات و متوبات انتشار داده و اعتضاد حضرت هم با او همداستان شد و پاره [ای] خلافهایی دیگر هم کرد که موجب شکایت سخت از رئیس گمرک و غیره گشت به لحاظ اینکه مصباح سُنی است و اطاعت سید را نمی‌کند و به سبب نداشتن آدم با اطلاع ناچار مصباح را برخلاف عقیده خودم برای جلوگیری از فساد سید عجالت ای به بندرعباس نیابت حکومت فرستادم و از باب رفع فاسد به افسد است نوشته بود تلگرافاً اجازه آوردن تفنگچی و فشنگ خواسته است لازم است جواب بفرمائید که او حق مخابره مستقیم با مرکز ندارد و تا حکومت کل بنادر مطلبی پیشنهاد نکند پذیرفته نخواهد شد.

۱۲ ربیع‌الاول علی محمد

[حاشیه] تلگرافی که خواسته بودید صادر شد.

سند شماره ۳
وزارت داخله، اداره مرموزات، مورخه ۱۳۳۰
تلگراف رمز موخر الدله
از بوشهر مقام منبع وزارت
جلیلیه داخله

تلگراف رمز ۲۵۱ مورخه ۲۸ زیارت شد دیشب با سیم کمپانی راپورت نائب‌الحکومه بندرعباس را عرض کردم حسین کلله کن از اشراری است که بستگی به سیدلاری دارد. مصباح دیوان او را دعوت کرده که اسباب زحمت را فراهم کند الحمد لله موفق نشد. با قونسولگری انگلیس مشغول مذاکره هست که مصباح را از راه دریا روانه کند در قونسول خانه بندرعباس متحصن شده و

